



جنگال یک مناظره

در پی مناظره اخیر میان عبدالرحیم سلیمانی اردستانی و حامد کاشانی، فضای فکری و رسانه‌ای کشور با موجی از واکنش‌های گسترده و متفاوت روبه‌رو شده است. این مناظره که محور آن مباحث کلامی، نقدهای درون‌حوزوی و حدود آزادی بیان در حوزه دین بود، به سرعت به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات روز تبدیل شد و بسیاری از چهره‌های مذهبی، سیاسی و نواندیش را به موضع‌گیری واداشت. سخنان سلیمانی اردستانی، که برخی آن را صریح و ساختارشکن و برخی دیگر تند و غیرمتعارف توصیف کردند، زمینه‌ساز واکنش‌هایی از طیف‌های مختلف شد؛ از انتقاد صریح سیدمحمد خاتمی - که روایت آن توسط محمدعلی ابطحی منتشر شد - تا صدور بیانیه رسمی از سوی مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم.

▼ اعتراض خاتمی به اظهارات اردستانی

محمدعلی ابطحی انتقاد سیدمحمد خاتمی رئیس جبهه اصلاحات را اینگونه روایت کرد و نوشت: «با جمعی از دوستان روحانی نواندیش خدمت آقای خاتمی جلسه داشتیم. آقای خاتمی بحث سخنان آقای سلیمانی اردستانی را پیش کشید. اعتراض داشت که چرا این مباحث را و این ادبیات را در این شرایط به کار گرفته است. دوستان جلسه که دوستان آقای اردستانی هم بودند نیز گلایه داشتند که محتوا و ادبیات آقای اردستانی بیشتر از هر چیز به تفکر آرام نواندیشی دینی که نوپا ولی جدی است، آسیب می‌زند. تقریباً همه دوستان هم این روزها با آقای سلیمانی در این مورد گفت‌وگو کرده بودیم. باور داشتیم مناظره در مسائل مذهبی سنت خوبی بود که متأسفانه با ادبیات موهن از یکسو و فحاشی‌های رکیک از سوی دیگر دچار مشکل شد.»

▼ دیدگاه شخصی مطرح شد

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم نیز در واکنش به صحبت‌های اخیر اردستانی بیانیه‌ای صادر کرد: «در پی برخی درس‌گفتارها و گفت‌وگوهای اخیر در حوزه علمیه و فضای مجازی لازم است نکاتی را به استحضار ملت شریف ایران برسانیم. حجت‌الاسلام دکترعبدالرحیم سلیمانی، عضو محترم مجمع، مدتی است در فضای مجازی و در مناسبت‌های گوناگون مطالبی در حوزه‌های مختلف دینی مطرح کرده‌اند. گاه لحن و بیان ایشان موجب نگرانی بر برخی و درعین‌حال موجب جلب توجه عده‌ای دیگر شده است. اعضای مجمع نیز با برخی از مطالب، چگونگی بیان و طرح بعضی از موضوعات از جانب ایشان و مصاحبه با بعضی از سایت‌ها مخالفند و نگرانی خود را اعلام کرده و تذکرات لازم داده‌اند.» در ادامه این بیانیه مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، ضمن تأکید بر حق اظهارنظر و آزادی بیان برای ایشان و هر فرد دیگر، اعلام کرد: «اظهاراتشان صرفاً دیدگاه‌های شخصی بوده و بیانگر نظر مجمع و اعضای آن نیست. خود ایشان نیز بارها تصریح کرده‌اند که نظر خودشان را بیان می‌کنند نه مواضع مجمع را. روشن است که مواضع مجمع از طریق بیانیه‌های رسمی اعلام می‌شود.» مجمع مدرسین در ادامه با تشریح ابعاد آزادی بیان بر وظیفه محققان و مدرسان بر بیان درست مطالب و تحقیق و تأمل تأکید کرد: «ما بر این باوریم که دستیابی به اندیشه‌های والا و اعتقادات صحیح تنها در سایه جامعه‌ای سالم و آزاد و با رعایت اصل آزادی بیان ممکن است؛ حقیقتی که از قرآن کریم، سنت نبوی و سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) آموخته‌ایم. آزادی بیان صرفاً برای طرح مطالب درست و مطابق با باورهای رایج نیست؛ بلکه جامعه از محدود کردن زبان‌ها و بستن دهان‌ها بیشتر زیان می‌بیند تا از بیان مطالب نادرست یا نابجا. البته این سخن به معنای کوتاهی محققان در تبیین پاسخ‌های صحیح و مستدل نیست، بلکه مسئولیت آنان در روشنگری همچنان پابرجاست. محققان و مدرسان باید علاوه بر تحقیق و تأمل زیاد، به شیوه نیکو اظهارنظر کنند و اجتهاد مخلصانه محققان پیشین را محترم بشمارند و از لحن تند و افراطی بپرهیزند. امید است بیان آراء مستدل و نقد و بررسی آنها به روش عالمانه و عادلانه به ارتقای سطح گفت‌وگوها و پیشرفت مباحث فکری و نظری در جامعه یاری رساند.»

ادامه در صفحه ۵

گسست با نسل انقلاب

گفتارهایی در شب خاطرات محمد توسلی درباره کارنامه سیاسی او و نسبت آن با شرایط امروز

سمیه متقی، دبیر گروه سیاست: چندی پیش اولین برنامه «شب‌های خاطرات سیاسی» به همت احمد حکیمی‌پور و همکاران او در فصلنامه خاطرات سیاسی، با عنوان «شب محمد توسلی و پاسداشت از یک عمر تکاپو در مسیر آزادی» برگزار شد. در بخش نخست این مراسم از محمد توسلی عضو ارشد شورای مرکزی و دبیرکل سابق نهضت آزادی ایران تقدیر شد و محمدجواد مظفر، مدیر انتشارات کویر ومدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی دولت‌میر حسین موسوی، ابوالفضل بازگان، فعال سیاسی و برادرزاده مهدی بازگان، محمدحسین بنی‌اسدی، دبیرکل نهضت آزادی، احمد خرم، فعال سیاسی و وزیر راه و ترابری دولت سیدمحمد

خاتمی و احد رضایی، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و زندانی سیاسی پس از انقلاب سخنرانان این بخش بودند. در این مراسم که در خانه هنرمندان ایران برگزار شد ضمن اهدای لوح‌های سپاس از سوی فصلنامه خاطرات سیاسی، کانون زندانیان سیاسی مسلمان قبل از انقلاب و نهضت آزادی ایران از همسر او مینا یزدی تقدیر شد. در این جلسه لطف‌الله میثمی، حبیب‌الله پیمان، مینو مرتضی‌انگرودی، فائزه‌هاشمی، طاهره طالقانی، علیرضاهشتی‌شیرازی، فیروزه صابر، خسرو منصوریان و تنی چند از فعالان عرصه سیاست، فرهنگ، کنشگران مدنی و روزنامه‌نگاران حضور داشتند.

الگوی برای ممانعت از گسست بین نسلی



محمدحسین بنی‌اسدی

دبیرکل نهضت آزادی

ابتدا درباره سیاست‌ورزی اخلاقی و فضیلت‌محور که به‌نوعی به معنای آزادی‌طلبی است اشاره‌ای خواهم داشت و پس از آن هم به موضوع گسست نسلی و انقطاع تاریخی اشاره می‌کنم. در ارتباط با محور اول که آزادی است می‌توان گفت که آزادی در کشور ما یک درخت بی‌ریشه بوده است. یعنی فرصت‌هایی بود که جامعه ایران می‌توانست روی آزادی کار کند و فرهنگ دموکراتیک و آزادمنشانه را در بین احاد جامعه مستقر کند. مثلاً بعد از انقلاب مشروطه که به خاطر مبارزه با استبداد و حاکمیت قانون و آزادی چنین فرصتی فراهم شد و پس از آن با کودتا و دیکتاتوری رضاشاه این فرصت به پایان رسید. پس از برکناری رضاشاه چند سالی این فرصت بود که با کودتای ۲۸ مرداد به پایان رسید. این دوران‌ها چنان پرتلاطم بود که درخت آزادی نتوانست ریشه بدواند. پس از آن هم که انقلاب با شعار آزادی و استقلال به پیروزی رسید و عمر آزادی در آن هم کوتاه بود. نهضت آزادی در عمر ۶۴ ساله خود، این ایده‌آل را دنبال می‌کرد و نیازی است که باید به آن برسیم و ضروری است که بحث کنیم و بدانیم چرانتوانستیم آن توفیقی که می‌خواستیم را به دست بیاوریم. موضوع بعدی انقطاع یا شکاف نسلی است: این هم برای ما بسیار مهم است چون مانگران آینده ایران هستیم. نسلی که بتواند برای بحران‌های امروز کشور راهکار و راه‌حل دهد. بتواند جامعه ایران را به ساحل نجات برساند. برای این کار نسلی صبور، شجاع و خردمند نیاز است. این دو موضوع شاید به نظر مستقل بیاید اما به نظر من اینها به هم مرتبط هستند. برای اینکه چنین نسلی تربیت‌شود باید الگوهایی که می‌توانند الهام‌بخش برای نسل نوباشند، معرفی شوند تا آنها را امیدوار کنند که بتوانند مؤثر باشند.

بنده با آقای مهندس توسلی ۶۰ سال پیش در همایش دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا در دانشگاه ایلینوی آشنا شدم. در آن همایش در جمعی با هم دیدار داشتیم اما آشنایی ما بیشتر در ایران و در نهضت آزادی ادامه پیدا کرد. آنچه من عرض می‌کنم حاصل مشاهدات و ۶۰ ساله من است. همیشه در ذهن من مهندس توسلی الگوی کامل یک



احد رضایی

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی

در چنین شرایط سخت جامعه، به‌رغم تنگ‌نظری‌ها و تضییقات خاصی که بر جامعه سایه افکنده، خدا را شاکریم که چنین فرصتی برای تجلیل از مهندس توسلی پیدا کردیم. در شرایط موجود، اولین ضرورت، انتقال تجربه و دانش فرهیختگان سالخورده به نسل بعدی است که در جامعه ما باید مورد بازنگری قرار گیرد. در جامعه‌ای که صاحبانظران انقطاع نسلی را یکی از بحران‌های اجتماعی می‌دانند؛ تکرار اشتباهات و تداوم تجربیات پیشینیان توسط نسل‌های تازه به‌عرصه‌آمده باعث هدر رفتن نیروی جوان جامعه می‌شود. بر همین اساس باید این موضوع

تاریخ

سیاست



▼ دوره گذار قفل شده

در ابتدای جلسه احمد حکیمی‌پور، به‌عنوان برگزارکننده جلسه گفت: «ما در فصلنامه خاطرات سیاسی هدفمان این است که روی نقاط گره‌ای و چالشی تاریخ معاصر ایران متمرکز شده برای گفت‌وگو میان نخبگان کشور و ایجاد ارتباط بین تجارب پیشینیان با نسل جدید بسترسازی کنیم. با توجه به اینکه ما از انقطاع تاریخی خسارات زیادی دیدیم و دور تسلسل هزینه و کارهای تکراری و هزینه‌بر در کشور را شاهد بودیم، به سهیم خودمان در تلاشیم در سه زمینه شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران، رویدادهای مهم تاریخ سیاسی معاصر ایران



محمد توسلی

دبیرکل پیشین نهضت آزادی ایران

من در اینجا باید از پیشگامان نهضت آزادی یعنی مهندس بازگان، آیت‌الله طالقانی و دکتر سحابی تشکر کنم که چنین فرصتی جهت سیاست‌ورزی برای ما ایجاد کردند. اگر بخواهم درباره پیوستگی تاریخی در نسل ما و قبل ما سخن بگویم باید یادی کنم از دکتر چمران و مهندس سحابی و دیگران که بیش از شصت سال ایستادگی کردند و راه را ادامه دادند. به نظر بنده نگاه راهبردی این بزرگان موجب استمرار سیاست‌ورزی شد. آنها فرزندان انقلاب مشروطه بودند و تجربه این را داشتند و تجربه رضاخان را هم داشتند و آیت‌الله طالقانی در حوزه تجربیات مضاعفی بر این موارد داشت. وقتی ایشان قبل از شهریور ۲۰ به تهران می‌آیند به مسجد نمی‌روند که مانند بقیه عمل کنند. ما در دوران دانش‌آموزی از ایشان دعوت کردیم و در سال ۱۳۲۵ ایشان در برنامه ۱۵ شعبان سخنرانی کردند و از «امید» سخن گفتند. مهندس بازگان و دکتر سحابی با جوهر تمدن غرب نیز آشنا شده بودند و در تجمیع این تجربیات آنها دو عامل برای توسعه‌یافتگی ایران تعریف کردند: «اول، استبداد ۲۵۰۰ ساله و پس از آن، خرافات ۱۰۰۰ ساله دینی.» و اعتقاد داشتند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». بر همین اساس برنامه‌هایشان تحولات انسان‌محور و تحولات فرهنگی و اجتماعی است. مهندس بازگان در سال ۴۲ در دادگاه به دو موضوع اشاره می‌کند: «چرا ما گرفتار استبداد شده‌ایم؟ و چرا ما با استبداد مخالفیم؟» بر همین اساس و با توجه به اینکه در شرایط استبداد حزب معنا ندارد تشکیلات آنها عنوان نهضت پیدا کرد. در سال ۱۳۲۷ اولین گام عبور از موانع توسعه‌یافتگی با حضور همه گروه‌های سیاسی و بانقش آفرینی آقای[امام] خمینی صورت می‌گیرد. در آن زمان ضرورت آقای بازگان مسئولیت دولت موقت را بر عهده گرفت چون کسی مانند ایشان چنین تجربیاتی نداشتند. آن‌ها نگاه راهبردی داشتند و حتی پس از آن هم آقای بازگان قهر نکرد. جامعه‌ای که در ابتدای انقلاب تحت تأثیر آقای[امام] خمینی بود و در ۱۲ فروردین، ۹۸ درصد مردم به گفتمان ایشان در نوفل‌لوشاتو که همان مطالبات انقلاب مشروطه هم بود، رای دادند. پس از آن تجربیات و هر آنچه پس از آن اتفاق افتاد است موجب شد که ایشان در کتاب آخرشان از «ضرورت جدایی دین از سیاست» سخن بگویند. در آن ۱۶ سال ایشان به دنبال آگاهی‌بخشی بود و پس از آن هم همراهان ایشان مانند ابراهیم یزدی به دنبال ادامه دادن همین راه بودند و من هم پس از ایشان در نهضت آزادی به دنبال همین راه بودم. به عبارتی پیام این بود: «آزادی برای ایران»، تا آزادی نباشد نه استقلال دارید و نه عدالت و نه سایر ارزش‌ها. بنابراین شرایط جامعه ما با توجه به مجموعه بحران‌ها همانطور که از شهریور ۱۳۲۰ تحولات، تحولات انسان‌محور و جامعه‌محور بوده است، نهضت آزادی هم همین راهبرد «اصلاحات جامعه‌محور» را مدنظر گرفته است. ما اینجا هستیم تا راه را برای نسل جوان امروز تبیین کنیم و امید به آینده ایجاد کنیم تا نسل جوان ما بداند که باید در کنار هم قرار بگیریم تا این فرایند طی شود.

تکرار اشتباهات عامل هدررفت نیروی جوان

اسب‌شناسی شود. انتقال تجربیات پیران به نسل جوان جویای نام به منظره نه چندان خوشایند ارتباط نسل ما با نسل امروز و فردا درجه جدیدی باز می‌کند. به‌ویژه در حیطه فرهنگ بی‌محابی سیاست که همیشه در خسران بوده است. نسل جوان ما باید بداند در راهی که می‌رود سال‌ها پیش دیگرانی نیز بودند که روی همین خاک وزیر همین آسمان چشم از افق‌های معمول و پا را از راه‌های مهیود فراتر نهاده و نتیجه تلاش‌شان آثار متفاوت از فرهنگ رایج آن زمان بوده است. محتوای فرهنگی افراد در بستر تاریخ و فرهنگی که در آن زیست می‌کند شکل می‌گیرد و محتوای فرهنگی فردی مانند جناب مهندس توسلی نیز آرمان ایشان است که حاصل تاریخ، تمدن و فرهنگ و نیازهای زمانه‌شان است؛ آرمانی که مبنایش خدایپرستی و توحید بوده و برنامه‌اش عدل و قسط و حاکمیت ملت و اخلاص بوده است. بنابر این آیه از قرآن: «إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بَخَالِصَةٍ ذِكْرَى الْآلِهَار» و به تعبیر آقای بنی‌اسدی، این افراد بسیار کمیاب هستند. به خاطر همین پیشینه مستحکم و قوی است که خواب از

چشمان باند‌های مافیایی داخل و خارج ربوده که چگونه در برابر این سیل به ظاهر کوچک اما بنیان‌کن که حقانیت خود را از عدالت و آزادی مشتعل بر دین گرفته است، موضع‌گیری کنند و خود را چگونه نگه دارند. بنابراین نسلی که بنا را بر نویایی گذاشته و نه ایستایی و این را پذیرفته است که تا انسان‌ها خود را تغییر ندهند و علت و معلول تغییر نشوند، قطعاً هیچ تغییری رخ نمی‌دهد؛ همانطور که در قرآن نیز آمده است. بر همین اساس است که مهندس توسلی و تشکل نهضت آزاد بر ضرورت آزادی پای می‌فشارند. چون معتقدند این تغییر با اکراه ممکن نیست: «لا اکراه فی الدین، قدتبیین رشد من الفی» تجربه پس از انقلاب ماثبات کرد که اگر بخواهیم جامعه سعادت‌مند داشته باشیم باید نفوس انسان‌ها تغییر پیدا کند و در سایه این تغییرات بزرگ و امیدوار است که به فلاح و رستگاری در ابعاد فردی و اجتماعی دست یابد. تجلیل از ایشان، تجلیل از تقوا و تعهد و مسئولیت‌پذیری است. بنابراین این نوع تجلیل با تجلیل‌هایی که گاهی در جامعه شاهد هستیم و یک‌ت را در برابر ت دیگر مطرح می‌کنند متفاوت است؛ در قرآن آمده است: «تِلْكَ أَمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُشَآوُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» آیه پیروان و یازماندگان نسل‌های قبلی را متوجه و متذکر اتکساب و آماده شدن برای پاسخ‌گویی درباره رفتار آنها می‌کند. پس این سخن گفتن درباره عملکردها بسیار مفید است.